



## از عهده‌اش برمی‌آیم

بچه‌ها بعضی وقت‌ها موقعیت‌هایی پیش می‌آید که برای ما سخت هستند؛ مثلا ممکن است به خاطر جابه‌جاشدن خانه مجبور شویم مدرسه‌مان را عوض کنیم. وقتی وارد مدرسه جدید می‌شویم، هیچ‌کس را نمی‌شناسیم و احساس تنهایی می‌کنیم. در این زمان‌ها اصلا نباید بترسیم چون می‌توانیم با کمک بزرگ‌ترها و سعی و تلاش خودمان از عهده‌اش بر بیاییم.



ستایش جان  
می‌تونی فردا با  
معلمتون صحبت کنی  
و بگی که تازه اومدی  
این مدرسه و ازش  
کمک بخوای.

باشه مامان.  
روم نمی‌شه، ولی  
امتحان می‌کنم.



من این  
مدرسه جدید رو  
دوست ندارم. هیچ  
دوستی ندارم. معلم‌ها  
رو هم نمی‌شناسم.  
خیلی سخته.

دخترم هر جای جدیدی  
اولش سخته ولی کم‌کم با بقیه آشنا  
می‌شی و دوست پیدا می‌کنی.



بچه‌ها می‌خوام یک  
دوست جدید رو بهترتون معرفی  
کنم. ستایش از یک مدرسه دیگه  
اومده اینجا. ازتون می‌خوام که  
باهاش دوست باشین و اگر نیاز به  
کمکتون داشت بهش  
کمک کنین.



سلام خانم. می‌خواستم  
...بگم...عه...من...تازه  
...اومدم این مدرسه...ه...ه...

سلام  
عزیزم. جقدر  
خوب که گفتی.  
زنگ بعد من به  
بچه‌ها معرفی‌ات  
می‌کنم. حتما  
کسی رو هم  
نمی‌شناسی؟

نه خانم!

